

تأملی در شب قدر

یاسر محدّث مجتهدی

تأملی در شبِ قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درک معنای اتفاقی که در شب قدر رخ می‌دهد، دشوار است. ابهامی که در آیات می‌باشد خود مؤید این مطلب است. در تفاسیر هم این ابهام به چشم می‌خورد. گویا مفسرین نیز در این ابهام گرفتار شده‌اند؛ عده‌ای ممکن است از عهده‌ی فهم شب قدر برآمده باشند، اما از گفتار در خصوص آن اجتناب کرده‌اند. وقتی حال این چنین است، از عهده‌ی منِ ناچیزِ نافهم، چه بر خواهد آمد؟! چند شبی آیات حاوی موضوع شب قدر را در ماه مبارک رمضان مرور کردم، در ابتدا فقط حیرت بر حیرت افزون گردید. عبارتی در تفسیر شریف المیزان دیدم که در عین اجمال تا حدی برایم راهگشا بود. (در ادامه عبارت را ذکر خواهم کرد) بر آن شدم تا فهم خود را در چند سطر کوتاه بنویسم. ترس از فهمیدن، حتی درباره‌ی موضوعات دشوار را بر خود حرام کرده‌ام، گریزی از اندیشیدن نیست، حتی اگر کاملاً اشتباه باشد.

چند آیه می تواند در این اندیشه راهنما باشد:

سوره قدر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

سوره دخان آیات ۱ تا ۶:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ ﴿٣﴾ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿٤﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٥﴾ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا ﴿٦﴾ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٧﴾ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ ﴿٨﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾

سوره حجر آیه ۲۱:

وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢١﴾

سوره اسراء آیه ۸۵:

وَسَأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾

برای ورود به بحث به عنوان مقدمه، لازم است حقیقت قرآن را از خود آیات واکاوی کنیم، برای این منظور سراغ آیات

دیگری می‌رویم:

سوره واقعه آیات ۷۷ تا ۸۰:

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَسُئُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

سوره زخرف آیات ۱ تا ۴:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾

سوره بروج آیات ۲۱ و ۲۲:

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

حقیقتِ قرآن مکنون است، این الفاظی که به ما رسیده است ترتیب آن حقیقت در این عالم است. حقیقت که تنزل می‌یابد، در هر عالم به اقتضای آن عالم بروز پیدا می‌کند. آن حقیقت در دسترس بشر نیست، نزد خداوند حکیم است، و به آن هیچ بشری دسترسی ندارد. شأن و رتبه‌اش رتبتاً پس از خداوند و هم شأن عقل اول است. در نتیجه می‌توان گفت حقیقت قرآن حقیقت خلیفه الهی است؛ فتأمل.

به اصل بحث که بازگردیم نتیجه چنین می‌شود:

این حقیقت مطابق کریمه‌ی «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» در هر آن، از عالم ما فوق به عوالم پایین‌تر تنزل پیدا می‌کند. درک این تنزل، به اندازه‌ی «وَسِعَ هَر عَالَمٍ وَ مَدْرِكٍ» است. صادر این حقیقت، به قرینه‌ی «(نا))» در عندنا، عقل اول، یا همان خلیفه‌ی خداست. دریافت کننده‌ی تام آن، وجودِ عنصری رسول خدا، و اهل بیت طاهرین است. این اتفاقی دائمی است؛ که در یک شب از سال، آن را تشریف و مبارک می‌گردانند. به قرینه‌ی سوره‌ی قدر، و آیات ابتدایی سوره‌ی دخان. معراج هم همین‌طور است. اما می‌توان آن را معکوس دانست. یقیناً پیامبر یک بار معراج نداشته‌اند، اما یک بار بیان شده و بزرگ شمرده شده است. به جهت این تشریف و مبارکی با ملائکه، و روح مشایعت شده است.

این امر دشوار و مخفی است؛ چنان‌که در روایت از امام صادق علیه‌السلام منقول است: اللیلة فاطمة، و القدرالله، فمن عرف فاطمة (ع) حق معرفتها فقد أدرك لیلة القدر، و إنما سمیت فاطمة لأن الخلق فطموا عن معرفتها.

حضرت صدیقه نیز در میان اهل بیت مخفی است. عمر و منقولات اندک از ایشان نیز، خود مؤید همین مطلب است.

حال مطلب علامه را بخوانیم:

قوله تعالى: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» ضمير «فِيهَا» لليلة و الفرق فصل الشيء من الشيء بحيث يتمايزان و يقابله الأحكام فالأمر الحكيم ما لا يتميز بعض أجزائه من بعض و لا يتعين خصوصياته و أحواله كما يشير إلى ذلك قوله تعالى: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»: الحجر: ٢١.

فللأمور بحسب القضاء الإلهي مرحلتان: مرحلة الإجمال و الإبهام و مرحلة التفصيل، و ليلة القدر- على ما يدل عليه قوله: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» ليلة يخرج فيها الأمور من مرحلة الأحكام إلى مرحلة الفرق و التفصيل، و قد نزل فيها القرآن و هو أمر من الأمور المحكمة فرق في ليلة القدر.

و لعل الله سبحانه أطلع نبيه على جزئيات الحوادث التي ستقع في زمان دعوته و ما يقارن منها نزول كل آية أو آيات أو سورة من كتابه فيستدعي نزولها و أطلعه على ما ينزل منها فيكون القرآن نازلا عليه دفعة و جملة قبل نزوله تدريجا و مفرقا. و مآل هذا الوجه اطلاع النبي ص على القرآن في مرحلة نزوله إلى القضاء التفصيلي قبل نزوله على الأرض و استقراره في مرحلة العين، و على هذا الوجه لا حاجة إلى تفريق المرتين بالإجمال و التفصيل كما تقدم في الوجه الأول.

در انتها علم نزد خداست، و این اندک، تنها اندیشه‌ی حقیر بود. امید که خداوند متعال به فضلش باب فهم معارفش را برای حقیر و همگان بگشاید.

ياسر محدث مجتهدی

نگاشته‌ی: اردیبهشت ۱۴۰۱، رمضان ۱۴۴۳